



روزنامه سیاسی کشور شاهنشاهی ایران

همال، متن فواین - تصویب‌نامه - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنای خبرداری - فرمانی - انتصابات - آینه‌نامه‌ها - پختنامه‌ها - آگهی‌های رسمی و قانونی سوالات

۱۲۲ خردادماه ۹۷ شنبه ۸

سال ششم - شماره ۱۵۳۳

صفحه ۱

میر سید محمد امیر

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۴۶

مذاکرات مجلس شورای ملی

جله ۴۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹

فهرست مطالب :

- ۱ - بقیه مذاکره در اطراف طرح یشنوده‌ای آقایان نمایندگان راجع به تقسیمات کشور و تصویب آن
- ۲ - تقدیم لایحه معاکمه جرائم مطبوعاتی بوسیله آقای وزیر دادگستری
- ۳ - سؤال آقایان حاذقی و دکتر جلالی ویناگی راجع بر سرفصل منزل پروفسور شمس از وزارت کشور و جواب آن
- ۴ - سؤال آقای دکتر بقائی راجع به خالص جرایف و گرمسار و تقسیم اراضی خوزستان از وزارت دارانی و جواب آن
- ۵ - اظهارات آقای مقر راجع به معامله بین ۶-تغییر موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر برای است آقای دکتر معظمی (نایب رئیس) تشکیل گردید

نایب رئیس - دیروز تصادف کرده بود با کارشان در ساعت مقرنی آیند ساعت ۵ صبح آفتاب میزند و الان ساعت ۹ و نیم است و چهار ساعت و نیم از آنکه برایشانه تعطیل بود صورت جلسه آنکه بالا آمده ما باید ساعت ۹ در جلسه حاضر شویم و سراسعت ۱۲ جلسه را ترک کنیم (صحیح است)

برای خاطر اینکه در تابستان که نیشود تا ساعت دو بعد از ظهر در جلسه بود و اشخاص بروند بکار های خودشان بر سند پنهان از مقام ریاست استدعا میکنم امر بفرمائید از این بعد حاضر و غائب را دقت کنند.

هر کس دیر آمد جزیه اش کنند.

نایب رئیس - صحیح است در جلسه آن ساعت ۹ زنگ زده نیشود اگر اکثریت نشد جلسه را تعطیل میکنیم (صحیح است) آقای شوشتري.

شوشتري - جلسه قبل پنهان نبودم آقای حاج کارکنیم . یك عده از آقایان یا میشوند میروند بنال

● عین مذاکرات مشروح یست و چهارمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

● اداره تبلیغاتی و تحریر صورت مجلس

مذاکرات مجلس شورای ملی

مسکوت بگذاریم دولت حاضر بودجه اش را بمعجلس
بدهد بودجه اش را بیاورید مقابله بگنیم بینیم در
این بودجه چه اقلامی تطبیق میگنند با تشکیلات
ملکتی اگر دولت توانانی این را داشت که ۱۰
استان ۱۵ استان داشته باشد بودجه اش هم موازنه
داشت ما که اصراری نداریم بدمان نماید بدینهم اما
اگر دولت بودجه نداشت و برای مازندران حق وق
استانداری نگردد چاره ای جز این که قبول بگنیم
نداریم این است که عقبده بنده این بود و بنده از
آقایان معترض استدعا می کنم هر نوع استدلالی دارند
بیانند و بفرمایند اگر بنده را قانون کرد بنده اول
کسی هستم که قبول میگنم و اگر هر ایش من هم
واقعاً حسابی بود قبول بگنید بنده بیش از این
هر ضی ندارم .

نایب رئیس - آفای

نداشت کوساله این کار در مرحله بسته بود یک چوی
برداشت بجان او افتاد او پرسیدند که این کوساله
چه گناهی کرده است گفت اگر اینهم بزرگ شود
مثل آن مادر حرامزاده اش شاخ میزند من زورم باو
نمیرسد الان تلافی مادر را یا او میکنم هیئت تصمیم
زورش بکارمندان نرسیده یعنی توانسته رسید کسی
بکند که بگوید کارمندان ناصالح دزد و مشهور بفساد
نایاب باشد (صحیح است) توانسته است این را بگوید
چسیده است به تشکیلات مملکت که بی زبان است و
چون نمی توانند خودشان دفاع بکنند ناچار گفتد خلی
خوب ما با شخاص کار نداریم با تشکیلات کار نداریم این
درست نیست این یک اقدام مغالطه آمیز است دلیلش را عرض
میکنم یک منطقه ای یا بخش باشد ای شهرستان چه فرقی بکند
از جیت تشکیلات اگر نظر توسعه باشد و تعمیم و
از دیار کارمند ممکن است یک بخشداری دارای چند
عضو زائد باشد آن بخشدار آن معاون بخشدار ،
آن رئیس دفتر شهرداری آن منشی بخشدار ، آن
ماشینیست بخشداری ، آن محاسب شهرداری آن
بازرس شهرداری و آن کمک محاسب شهرداری آن
چه ، آن چه ، و اگر نظر اصلاح باشد و تقلیل عده
کارمند ممکن است یک شهرستان یک فرماندار و
یک رئیس دفتر تمام شد ورفت چرا نه نشست بگوید
اعضاء را کم بکنید بلکه گفت شهرستان را به بخش
تبديل کند این تأثیر ندارد این بیانات آقای اردلان
همکار هریز یک قسمتش همانطوری که عرض کردم
مغالطه بود و قی یک حوزه ای شهرستان باشد از نظر
عملکرنی مزایاتی دارد و یک تکالیف برای دولت
نسبت با آن شهرستانها هست و قی بخش شداین تکالیف
دولت از آن برداشت میشود و آن وظایف شورای
مجلس هم که اگر شورای شهرستان بود یک وظایفی
دارد و اگر شورای بخش بود یک تکالیف دیگری
آن هم عرض میشود آقایان در نظر دارند و قی تهران
پایتخت مملکت نبود جمعیتش از صدهزار نفر تعیاز
نمیکرد و در آن موقع که دوره حکومت زندیه بود
شیر از جمیعتش و اهمیتش از طهران هم بیشتر بود
(فرامرزی) — اگر تهران باز هم فر کر باشد به
میلیون هم می دسد چون باقی مملکت را خراب بسکند

کچ جبری میکنید این هیئت تصفیه در اندامی
ذی حق بوده قانونی که با اخبار داده در
۱۳۲۸ تمام شده و آن اردیبهشت ۲۹
حق بود که همان روز که این اختیار داده شد
را میگردید ولی حالا که این قدم را برداشت
جلوی اوستنک بکاربریم ما باید بیانیم فدا کار
کمال کنیم و بهر قیمتی هست بودجه خودمان ر
بدهیم بعلاوه بنده یک چیزی میگویم دولت ح
بودجه سال ۱۳۲۹ خودش را بیارود مجلس
آمدیم آقای وزیر کشور که بودجه سال
مجلس دادند فرضًا حقوق آن شخصیکه د
است و استاندار است حقوق نوشته شده است
یک فرماندار بود ما که نمیتوانیم بینهاد اضا
بنابراین، امروز اگر بیانیم این طرح را
میکنیم یک منکر جلوی بودجه تقدیسی
گذاشته ایم در صورتیکه دولت به عنوانی
باید بودجه ای مجلس بدهد که موافذه داشت
من آرزوی که در برنامه ۷ ساله خود را
که این ۷ میلیون لیره ای که از نفت چوب
این را بدهیم به برنامه ۷ ساله کفتم یک دوا
و علاوه این مملکت باید همان روز یک ک
استخدام تعین کند بگوید آقای برنامه ۷ -
این بول را بتوجه امام اگر تویک پیشخدمت برای
رئیس لازم داری اگر وزارت دارایی یک پیشخدمت
دارد باید این پیشخدمت را بیرج آنجا که توکار
برود از این طرف هم به بودجه مملکت سنگین
نایاب ولی بدغتانه هم آهنگی نبود او کار خ
کرد آن عدد هم در وزارت خانه ها همی
ماندند، بالاخره یک روزی باید این قدم اسل
اصلاحی را برداریم یک روزی باید موافذه بود
را برقرار کنیم حالا امروز این قدم اولی را
تصفیه برداشته یعنی سازمان وزارت کشور
خارجه، وزارت دارانی را داده برای دولت
مشکل است ولی باید یک روزی باید موافذه
امروز هم دیر نشده تعین بکنید هر صفوی که
بوجوی این تشکیلات بیکار میشود در آن موق
دولتی که بسرا میگیرد بودجه داده میشوند هر
می بینیم که اشخاص جدید بخدمت می بینند اند
اتوماتیکان از اینجا بردارند بکارهند آنها
هیچ حال ما بودجه همان موافذه بیدا بکنند و
بیکار نماند ولی بدغتانه این هم آهنگی نیست
که خودش را مستخدم دولت میداند گوشش را
دولت بدهکار نمیداند و هر کاری هم که می ش
بار سنگینی برای مملکت هست شما بینند الا
دولت بدهکار نمیداند و هر کاری هم که می ش
پیش از این وضع بسرا میگیرد بودجه
محال است که بیک سعادتی برای مردم مملکت
محال است که بیک سعادتی برای مردم مملکت
بشدود تا اینکه بودجه موافذه بیدا بکنند این ا
من اگر مخالفتی با این طرح تقدیسی آقایان ه
معترض خودم کردم هفدهم این است که ما ا

در چندسال پیش آنبلدی آن به نهی بوده است و
امروز وضع آنجا چه بحث خراب است اسم آنجا را
استان که ماسهاد را باشیم سران که ماسهاد بکارهای هیچ
تأثیری ندارد این هیچیه من است، در مازندران شریف
بپرید هردو فرسخ بدوفرع یک فرماندار گذاشتند
فرمانداری شاهی، فرمانداری نوشهر، فرمانداری
چالوس (گودرزی) - چالوس فرمانداری نیست) بنده
چندسال پیش در مازندران بودم موقعی که تجارت ما
با همسایه شمالی رواج بود تمام این بنادر محل دادو
ست اشخاص بود مردمش یک تنی داشتند بخورندولی
امروز لغت و هورشده اند شناسم اورا شهرستان یا استان
بکارهای همچو روزه بکارهای بروجی دید آنچه باعث همان و
آبادی میشود آنرا بیدا کنید والا فقط اسم بکجایی
را برزک کردن این دلیل آبادی نمیشود اگرمانهایند گان
مجلس شورای اسلامی معتقد شدم باین اصل که آبادی
ملکت باسم گذاری نیست آنوقت یک قسم مهم
از این لایه بظر بنده خود بخود حل است و تکلیف
معلوم است حالا به بینم چه چیز ممکن است که وسیله
 عمران و آبادی مملکتی بشود بنده معتقد شدم باینکه
اسم نیست در تمام کتابهاییکه بعثت کرده اند این
 موضوع را گفته اند که چه مملکتی ممکن است
چطور وضع اقتصادیش خوب شود در یک چیز
متعدد القول و متعدد الفکر بوده اند که گفته اند یک
مملکتی که موافذه بودجه نداشته باشد محال است که
این مملکت افرادش روی خوش بیینند (صحیح است)
شما بیینید (امسال که دولت بودجه نداده) بنده
بودجه سال ۱۳۲۸ را در جلوی خودم قرار میدهم
سه میلیارد و سیصد و چهل میلیون ریال ماکس بودجه
در سال گذشته داشتم من گان نمیکنم که هیچیک از
آقایان نمایندگان این موضوع را روشن بکنم که اگر
یک قسم از کشورهای ایران را استثنای شهرستان
یا پیش بکارهای پیشخدمت در اینجا
آنچه این نمایندگان محترم یک مسئله ای را اهتر اض
مینویسد که مدت اختیار هیئتیکسال خواهد بود بنابر
این هنوز مدت اختیار این هیئت هم منقضی نشده این موضوع
که روشن شد وارد اصل موضوع مشیویم در اینجا
آقایان نمایندگان محترم یک مسئله ای را اهتر اض
فرمودند که بنده اول آن مسئله را بحث میکنم بعد
پیشنهادی دیگر میبردایم این را بیغواهم ماین
خودمان نمایندگان این موضوع را روشن بکنم که اگر
یک قسم از کشورهای ایران را استثنای شهرستان
یا پیش بکارهای پیشخدمت در اینجا
فرمودند که بنده اول آن مسئله را بحث میکنم بعد
پیشنهادی دیگر میبردایم این را بیغواهم ماین
خودمان نمایندگان این موضوع را روشن بکنم که اگر
یک قسم از کشورهای ایران را استثنای شهرستان
یا پیش بکارهای پیشخدمت در اینجا
فرمودند که این را اهتر اض میکنم که این را اهتر اض
میکنم بنده یاد میآید در دوره گذشته جناب
مرض میکنم بنده یاد میآید در دوره گذشته جناب
آقای احمد فرامرزی که یکی از افراد شریف این
ملکت هستند ایشان از مسافت جنوب راجحت فرمودند
و بنده از آقای وزیر کشور استدعا میکنم که قدر این
مرد شریف را بدانند و شغلی که شایسته و فراخور
معلومات و شرافتشان است بایشان و اگذار کنند،
هر چیزی که این را رفته اند و دیدن کرده اند و ۲۰ سال
بیش هم این چزیره را دیدن کرده بودند که وضع
چزیره قسم درحال حاضر که دیدن کرده اند تا
سال بیش زمین تا آسان فرق کرده از جیت خرابی
در ۲۰ سال بیش یک جمعیت آنچه بودند و تجارتی بود
ولی در سال پیش که ایشان آنجا را دیدن کرده اند
بیچوچه من الوجه غیراین یک چزیره مغروبه و یک
عدد لخت و خور در آنجا چز دیگری که بود حالا شا
اسم آنجا را بکارهای استان یا شهرستان یا پیش
جه حوال چیزی که بایعث عمران و آبادی آنجا
بیشود این نیست ما باید دنیال حرف بگردیم یاد
برویم بیینم چه چیز بایعث عمران و آبادی کشور
میشود آقایان ساخته های اشخاص را که بایران
میزیند و قالیچه ابریشمی بیغرد و اطاق سالوتان را
گردستان

بگذشت من بیک عده از رفاقتانی دارم که ممکن است از
بندهم برنجند و لی ما وظیفه مان بالاتر از رنجش
رفقا است این فقیه روشن است با این عجله که اینها
میخواهند این کارهارا بگذارد کاسو کوزه روی سرمایشکن
حالا دوماه است آفای دکتر سجادی دستورانی داده اند
و وزارت تعاونها آنها را انجام نمی‌دهند شما باید بیک
کاری بگذارد \Rightarrow آبروی مجلس بریزد بنده چند
روزنامه را که مراجمه کردم دیدم آنها خلاصه هم
نوشته اند که مجلس پکروز قانون وضع میگذارد کتشکلات
را بهمن میزند پکروز قانون وضع میگذارد که آن قانون
سابق لغوباشد (مکی - صحیع است)

نایب رئیس - آقای شوشتاری
شوشتاری - بسم الله الرحمن الرحيم. هر سه کنم فرمایشات جناب آفای اردلان و آفای فولادوند همچ مربوط باین لایحه واین فکری که نمایندگان معترض کردند نیست چرا؟ برای اینکه یک اختیاری دادند بهشت تصفیه کرورد آنجا پنشیدن و مطالعه کند و ناسالغان و دزدها و نایا کانزا بیرون بر زید از فشاری که بر مملکت در استانها و شهرستانها و بخشها از مأمورین نایاک بر مردم وارد میشود کم کنند و مردم را خالص کند این ملازمه ندارد که عملی کنند کآن عمل بر اشکالات افزوده کند و ناسالغان را بکار بگمارد و سالغان را کنار بگذارد و این اظهاراتی که آقای حاج حاذقی میگیرد من هستند من هستند از ادارات میگیرم که اینها را بهم بزنیم این هم ناراضی کنم و فرهنگ مملکت را بهم بزنیم این هم همان صحبت است که در جلسه خصوصی گفتم باز هم عرض میکنم که اساساً نیدانم بنده جسارت نمیکنم روی بدنظری نبوده یا نظر خاصی نبوده ولی معتقد را مطالمه هم نبوده این فرمایشی که جناب آفای فولادوند میرفایند که باید بشنیم این را همراه قبم ولی اجرای این وضعیت را چکار کنیم آنها همین نظر را دارند که گردن مجلس بگذارند یا نیز بگویند ما این کار را کردیم ، ما چه میگوییم؟ مجلس شورای ملی میگوید آقایان بی مطالعه گردند خواستند مجلس رادر مقابله یک تصفیه واقع شده ای بگذارند میخواستند مطالعه کنید ، قانون وزارت کشور وزارت کشور از ۴ اداره تشکیل میشود ، اداره سیاسی آقایانی که اروبا تشریف برده اند میدانند در اداره سیاسی وزارت کشور هر مملکت کار آگاهی هم باید در آن جامعتمر کر بشود ، یکدغه اداره سیاسی وزارت کشور ملتفی شد جایش کی کار آن اداره را بکنند جایش چی گذاشتند اعضای آن بروند توی فرهنگ و به بچه ما درس بدنهند کسی که سواد ندارد من رجالش را معتمد نمیشود ، اگر کم کن است بخود من نوشته اند من جدا کن جدا چند رقمه و را نوشته است چند دقیقی تفییجی چند دقیقی تشریف بیاورید چنان و قسم آخرخ صبح است این برو آن جامعلم و ضعیت نشود چطور ممکن است این تصمیم بوقوع اجرا گذاهد شود این عمل را کردن برای اجرای این نظریات از این جهت بعییده من باید بیشتر صحبت شود .

این است نیکوکرم که رأی بدینم باه و لی باعجله این کار نشود در کمیسیون یا کل طرحی تهیه کنندش هر ۲۰۵ هزار نفر جمعیت دارد فرضاً آنجا فرماندار باشد ناین که سه هزار نفر جمعیت دارد وقتی که اهلی بضرت همایونی تشریف برند بیک عده بطول یک خیابان کلاه سبلند بر سر دیند کهند که اینها کی هستند عرض کردن اینها رؤسای ادارات هستند من هستند میکنم خدمت و کل بعوزه و کالتش این نیست که هی مأمور هذاب و آتش آنجا بفرستد برای این کاین مأمور ۲۰۰ نومان حقوق دارد لباس میغواهد ، کروات میغواهد کش میغواهد ، آقای حاذقی والله جهوری که شما از صلحیه بذایت کردید خدمت تکریدید با اینکه من بشما ایمان دارم با وجود اینکه من شما را مرد وطن پرست میدانم ولی خدمت یک و کل این نیست که الیکو درز را بنده مثل میزمن یک استاندار بفرستند اگر آقای حاج حاذقی اینکه تشریف برند فرماندار از این شدنده اگر بروند ، اگر گرسنه هم باشند نمیورند ، یک مأمور خوب نمیورد مأمورین بد میروند آنجا آنوقت شما صلحیه اش را بذایت کردید یعنی یک رئیس هدیه فرستادید یک مدعا العمومیک مستنطق یک و کل هموی یک این صلح همانشان را باید این حوزه سید کند ، یک بخشداری را فرمانداری کردید سه بخشدار میورد آنجا فرماندار میورد رئیس دفتر فرماندار میورد برای بودجه مملکت هم دلسویی نکند برای خود حوزه باید دلسویی بکند و همانوقت که این قانون را میگذراندیم ، آقای آقا سید هاشم خان و کل برای آقای دکتر سجادی وزیر عدلی گفتند که وقتی میخواستند یکی از قضایات دادگستری را کار بدهند در تهران کار نبود اور خواستند این صلح دماوند کنند ، مردم روی چلوار هر یکی ای تو شنید این ظاهر دارد نیتوان من رویش قسم بخورم این جا فرمانداری است یا آنجا باقتصهای دیگر مملکت مشلا گرگان و دشت همیشه مأمورین های مقام بزرگ مشغله ، کختم بوزارت نمکن نیکردن آنجا می-

نایب رئیس. — رأی مبکریم بگفایت مذاکرات
نهاده نهاده آقایانی کموقا تقدیم بفرمایند (مده یشتری
قیام نمودند) باکثیرت ۲۴ رأی تصویب شد، بیشتر
فراتر میشود.
کشاورز صدر — بنده بکساعت قبل اجازه
خواسته بودم ندادید.
نایب رئیس — مطابق صدوری که قبلاً در
مشتملی سعی برداشتی داشتم (مذکور
از نایبند گان) مخالفه است آقا! مخالفه هست کدام
آدم حسابی حاضر است فرماندار بشود و الله اگر شد
ناها وضع این قانون را روش نکنید، آلان تشکیلات
وزارتخانه ها را موضع کرده اند شما این قانون را بهم
میزنید آنها آزار هم اجرا نمیکنند میگویند مجلس
تصویب نکرد عله ها من عقیدام این است که مذاکره
پیشو کافی شده است آقایان تمام میدانند که چه میتوهند

وکل آنچاهستهم وضع چهارمیانی آنچا را میدانم در قانون مصوب آبان ۱۳۱۶ که تمام کشور را ۶۴ استان تقسیم کرده بودند وهر استانی را به شهرستان در آن موقع یک استانش استان جنوب بود استان جنوب مشتمل بر ده شهرستان بود که کرمان در آن تاریخ یک شهرستان بود یزد یک شهرش ، شیراز یک شهرش بوشهر و بنادر یک شهرش لارستان یک شهر و هجرم را هم یک شهر گذاشته بودند در همان موقع جناب آفای اردلان خود شان والی فارس بودند

جناب آقای اردلان خود شان والی فارس بودند وضع آنجارا دیدند شهر جهرم در حدود سی هزار نفر جمعیت دارد مطابق سرشماری که اداره آمار کرده بود ۲۹ هزار نفر و کسری الان آنجا جمعیت دارد و چهار بخش دارد آنجا از سالها مرکز عدیه بوده محکمه بدایت بوده محکمه شهرستان در کجاتشکیل میشود در يك بخش آيا حکمه شهرستان تشکیل میشود عرض کنم در آنجا مرکز يك تیپ است که در حقیقت ۱ سوم سازمان ارتش فارس است چطور میشود در يك محل که يك فرمانده تیپ کحد اقل ۱۰۰ سر تیپ اینا شدش هنک است در آنجاهست ، يك رئیس عدیه بهیج وجه در آنجا نیست ما بگوئیم فرمانداری نیاشد بعثتداری باشد آنهم ابته حق منحصر يك معلمی را

نایب رئیس - بیشنهاد کفایت مذاکره
حاذقی - رای.

سلب کنند تاچه رسد بتصمیم غیر قانونی هیئت تصمیه (صحیح است) آقایان درنظر دارند که مادر موقعي رئاست معترض مجلس شورای ملی: ییشناهار

کانون سازمان برنامه اینجا در کسبیون و در مجلس مذاکره مینمایم . غلام رضا فولادوند .

مغارح بود یک پیش‌بینی کردیم که قبیم برای اینکه علامر صافولادوند - این موضوع

هملا مطرح است بعطر بنده برای آقایان همایش
بسیار واضح و روشن است زیرا اکثر از آقایان
طرح را اعضاء کرده اند (صحیح است) یعنی دو
اعضاء کرده اند، این چیزی نیست که بعثت فیض
داشته باشد و ما تازه بخواهیم این موضوع را در
کنیم که اگر باهمی دارد آنرا ازین بیرد (ص
است) ما روزی که قانون تصفیه را در دوره
میگذراندیم در کمیسیون دادگستری بنده حضو
بنده با آقایان عرض کردم که آقایان وزراء با
قواینت حاضر که این کارها را اگر بخواهند
توانند انجام بدهند (صحیح است) میتوانند مستخد
نادرست را خارج کنند مستخدم دوست راتشویق
بعشداری را فرمانداری، فرمانداری را بخشند
استانداری را فرمانداری کنند. این منظور نبود
کفتند که بلی یک محظوظ رانی هست که ما نمیتو
منظور شما را اهلی کنیم یعنی خلاصه ماجراجات ندا
این آقایانی را که معین گردند با ماهی دو سه ه
تومان حقوق دارند، این آقایان یعنی اعضاء هی
تصفیه یا کسالت قلبي بیدا گردند استعفا دادند یا مر
قولیغ بیدا گردند استعفا دادند، یکسال تمام ملا
کرد ید وظیفه شان را بهجهور انجامدادند (صدرزاد
ندادند) اشیا هیئت تصفیه آمده است دستزده
اقداماتی بنده از آقای دکتر سجادی ازطرف خود
و شاید آقایان هم موافق باشند من خودم فکر میک
که ایشان وقتی ملمور وریس این کارش بلکه کار

لشکر پیش از نبرد خواهان را آمدپهلو گفت چه میکنی که
لشکر که داشتند و نوشتن یاد بهمها میدهم گفت عجب چه
لشکر ای امیری است پس این خواندن و نوشتن را یادمن هم بدان
گفت بسیار خوب یا اینجا یات الگانی برایت بنویس
و یات که جزوی برایت میگیرم که بتدربیغ بخواز
و یاد بگیری گفت نه من گوستند هایم دارد میرو
هرچه بخواهی بن یاد بدھی بنه میخواهیم بروم آ
آخوند مکتب دار گفت درس دادن باین سهولت
آخانی نیست و باین کم وقتی نیست . هیئت تصمیم
یات جلسه ای در یات اطاقی نشست و بدون مطالعه
بیرون مشورت بدون پرسش از ادبیات بصیرت بسیار
اینکه خودش احاطه و اطلاع بر جنرالیات مملکت
داشت باشد برداشته یات تصمیماتی خیلی مستجل و
مجهولانه ای گرفته و بیرون داده است ولی این تصمیم
به پیوژه قابل عمل و قابل اجرا در این مملکت نیست
بطور مثل هر چیز میکنم در قانون تقسیمات کشور دامغان
یات بخش است سمنان و دامغان و هر دو یات شهرستان
را تشکیل میدهد هیئت تصمیم گفته است که دامغان
یات فرماندار داشته باشد ، خود دامغان یات شهری
است که با توابعش شاید یات جمعیت بسیار محدودی
دارد و بوجب تصمیم هیئت تصمیم باید شهرستان باشد
و فرماندار داشته باشد اما گفته هر جا که یات شهری
است که بیش از ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد این
باشد بخش باشد خلخال یات منطقه ای است (خسرو
شققانی - چرم را بگوئید) الان خدمتش میرس تمام
این مقدمه اها برای آن نتیجه است اهر و قراچه داغ
یات منطقه بسیار مهم و پرجمعیت است (امامی اهری -
۳۰ هزار نفر جمعیت دارد) در حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت
دارد این شهر سیمه زار نفری را گفت است که باید
بخش باشد و دامغان شهرستان باشد آخرچه مجهولی
برای آنچا بود و برای اینجا بیود (خسرو و شققانی -
فیروز آباد) فیروز آبادی را که آقای شققانی تذکر
فرمودند میخواهیم هر چیز کنم فیروز آباد مسوزه تمام
ایل شققانی است ایل شققانی من نه آمارش را میدانم
نه تشکیلات را میشناسم . ایل شققانی را از قدیم گفته
اند در حدود ۸۰ هزار خانوار است حالا خود شهر
فیروز آباد چقدر جمعیت دارد بنه آمارش را در
نظر ندارم ولی یات حوزه ای است که یات و کیل میدهد
و بیش از ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد باید بخش باشد
حالا آمدیم بر سر دشت گر گان آنجا یات شهر
مرزی است مهم است پر جمعیت است همین طور
برویله برس مازندران (کودرزی) - آمل را بفرمائید
شهرش چهل هزار نفر جمعیت دارد) حوزه آمل آنچه
که من اطلاع دارم بیش از صدهزار نفر جمعیت دارد
حالا اجازه بفرمائید استدعا میکنم بهمن اجازه بدهید
که من بگم کی آنچه در متون آقایان است عرض
میکنم
۰۰۰

تصویب بشود یعنی باید بگوئیم هیئت تصمیم‌گیرانه کارهای اصلاد را نیست و بینود کرده، صحیح است که وزارت دادگستری منحصر بفرد وزارت تغذیه است که تشکیلات مستند به قانون دارد صحیح است که تصمیمات دولت نسبت به وزارت تغذیه در مرحله اول فرار گرفته نسبت به وزارت خانه ایکه اساساً سازمان داشت و قانون تشکیلات داشت و آن وزارت تغذیه‌ای که قانون نداشت سازمان نداشت آنرا گذاشت برای آخر آنای مکرم‌هم فرمودند که یک بیشنهادی خواهم کرد که تصمیمات هیئت تصمیمه نسبت به وزارت دارایی هم از بین برود (یکی از نماینده گان - تصمیمات هیئت تصمیمه قانونی نیست) اجازه بفرمائید قانون یعنی چه؟ آفای کشاورز صدر توجه بفرمائید، اگر وزارت دادگستری تشکیلاتش را ناقص بداند قانون پیاوود تشکیلاتش را تکمیل کند کسی جلویش را نمی‌کیرد ولی اگر با تبصره ما بخواهیم که سایر وزارت‌هایها را هم ملزم کنیم و هی تبصره اندر تبصره بیشنهاد کنیم باید تصمیم بگیریم که تمام تصمیمات هیئت تصمیمه باطل است (فرامرزی - اصلاً وجودش غلط است) وزارت تغذیه‌ها را مکلف بگیریم که قانون سازمان ای روزنده ب مجلس و اعضاء خودشان را به بگویند و نه خانه‌هایشان بنشینند تا وقتی سازمانشان تصویب نمایند حقوق بگیرند والا غیراز این عملی نیست درباره شنکه آنای وزیردادگستری فرمودند که قانون هیئت تصمیمه را تفسیر بگنیم تفسیر از وظایف مجلس شورای اسلامی است دولت بنظرش اگر این قانون ناقصی دارد این تفسیر را بایاورید ما تفسیر می‌گنیم این اشکالی اراد و الا ما بخواهیم بیشنهاد بگنیم آنای آفای مکرم بیشنهاد کرده است راجع بوزارت دارایی حالا ممکن است عده‌ای با این بیشنهاد موافق باشند ولی لیل نمی‌شود اصلاً هیئت تصمیمه را بگذرانیم کارابوگوئیم امام آن تصمیمات باطل و دیگر آن حونها را نزنید صعبت گردن در اطراف آن لازم نیست.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای کشاورز
مدرس مبنی بر اضافه کردن کلمه وزارت دادگستری
و ۸۰ نفر آقایانی که موافقند قیام کنند (هذه
آمی برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگر خوانده
شود .

(ییشهاد افای فقیهزاد، بشرح زیر فرائات شد)
بنده ییشهاد می نمایم بجهانی وزارت کشور بر رشته
رد دولت مکلف است قانون تقسیمات کشور را در
رف ۳ ماهه مجلس بیاورد - فقیهزاده.

نایاب رایس - افای قبیله زاده.
فقیهه زاده - بنده میخواستم هر سه کنم چون
نای فولادوند نگرانی داشتند یا ینکه ممکن است
ارت کشور قانون را در ظرف ۳ ماه نیازوردو جناب
لای وزیر کشور هم جواب دادند ولی بنده عقبه دام
کشیدم و باید از اینجا پنهان شد.

ست له عوض و زارت نشور نوشته شود د دولت
لطف است تقسیمات کشور را در طرف ۴۳ ماه بیاورد
این عبارت بدین طریق اصلاح شود
نایاب و قیسیع - صحبت مخالف لزومی ندارد
بن دولت بجای وزارت کشور نوشته شده باشکالی

معترض اظهار داشتندیگانه وزارت نهاده ایکه تشکیلات
صد درصد مطابق قانون مصوب مجلس شورای ملی
بوده چه تشکیلات ادارش و چه تشکیلات فعلیش
وزارت دادگستری بوده (صحیح است) (فقهیزاده-
متاسفانه خرابش کردند) و هیئت تصفیه یاک اظهار نظری که
گرده بودند خود آفای د کثر سجادی مخالف بودند بنده
صحیح کردم با ایشان فرمودند که خودم در اقتیت بودم
چون اکثریت این رأی را داده بودم ناجا هایم که این الاجرا
کنیم حالا بطوریکه گفته شد فعلاً حوزه وزارتی بططوری
منحل شده کحتی آن اداره نظارتی که باقی مانده آن هم
و ظایف مرجوه خودش رادرست نمیتواند انجام بدهد
زیرا ایک اشخاصی آنجا وارد میشوند از ادارات دیگر
که منحل شده اندیک اشخاصی را فرستاده اند باداره
نظارت از اداره حقوقی و اداره فنی کاداره نظارت نمیتواند
این کار کووظبه اصلی قانونی اصلیه اش بوده انجام بدهد
(صحیح است) حتی راجیع بداد گاهها آمده اندیک صورتی
که بوده آنها راهنم محدود گرده اند در صورتیکه در
بعضی جاهایش بینی شده بوده که دادگاه بخش تبدیل
بدادگاه شهرستان شود و در بعضی جاهای کدادگاه بندود
دادگاه بخش آنچه تشکیل بشود حالا دست وزارت
دادگستری بسته شده است مثلاً از جمله آمل یک شهری
است یک شهر مهم است در مازندران آنجا دادگاه
بخش داشت لیکن بعداً در یک کمیسیونی که بنده خودم
هم بودم در یکسال بیش آنجا بیش بینی کردیم که برای
آمل دادگاه بخش باید تبدیل بشود با شهرستان مثلاً تجان
اصفهان یا در آذربایجان آذرباچن زیرا یک نقوص
زیادی دارند معنای جند بدادگاه شهرستان بنده در این
صد بود و هستم که یک لایحه ای تهیه کنم و آن لایحه
را بایورم برایه مجلس شورای اسلامی لیکن بنظر بنده اگر
این مسئله این ماده قانون راجیع عمل سازمان بنوان تفسیر
قانون بشود سه متر به نتیجه میرسم زیرا ۱۱ گرف قانون بایورم قانون
خیلی طول بیداریکند در دوم مجلس (فرامرزی - لایحه
دادگاه و آمد به مجلس شورای ملی و تصویب شد و
قانون بسیار صریح هم بود در آن قانون که متلا
اداره فنی اداره حقوقی که بسیار ضرورت داشت
تشکیل بشود و وظایف هر کدامشان هم تعیین شده
است ، هیئت تصفیه آمده است در این تشکیلات اداره
فنی را منحل کرد در سورنیکه این اداره فنی مورد
ابتلاع تمام افراد مردم بود یک کسی کارشناس میخواهد
نمیدانم ترجمه مستند دعواه میخواهد که بعد بروند
بعد ایه هر ضحال بدهد کارشناسان اینجا یک اداره
فنی داشتند اداره تصفیه آمد این ادارات را منحل و
تصفیه کرد بدفتر وزارتی و اداره نظارت اداره نظارت
یک اداره پر عرض و طولی است و حالا این اعضا ایش
پیغش شده اند نه از میز و نه از صفو و نه از حقوق
و نه از اطاق چیزی کاسته نشده و مردم در اداره
نظارت کم میشوند و این اداره فنی تمام
اعضا ایش هستند آنوقت انجام وظیفه میگردند حالا
نمیگذند حالا بنه چرا این پیشنهاد را کردم برای
اینکه وزارت توانی که قانون ندارد با وضع قانون
و مجوز مجلس تشکیلات آنها را بدهیم اما گاهاینکه
قانون دارد لاقل یک معطاله ای شده است که این
قانون آمده فقط میغواست استدعا کنم آقایان اگر
موافقت کنند وزارت دادگستری را هم بگذارند
که در ظرف ۳ ماه اگر نفعی در تشکیلات بود
هیئت لایحه آن را بایورد وزارت دادگستری الان
میخواهد تشکیلات بدهد این را هیئت تصفیه تشکیلات
عدلیه را با اختیار چاش نمیخواهد تشخیص بدهد زیرا
در عدلیه که محققًا برای کم کردن حقوق نیست زیرا
عدلیه را که این مقدار اعضا ایش کم است و باید
محققاً زیاد بشود بناء علیهذا بنده معتقدم که کلمه
وزارت دادگستری را هم بگذارم . یکی از مواردی
که خود آفای وزیر عدلیه باید قانون بیاورند همین
است بنابر این در مدت ۳ ماه تکلیف داشته باشد
که قانون سازمان وزارت عدلیه را با نظر متخصصین

تفسیر را باید دولت بیاورد) دولت اگر بعنوان لایحه قانونی بیاورد باید بهر دو مجلس بیاورد یعنی هر دو مجلس باید نظر بدتهند اما اگر تفسیر قانون در مجلس بشود یک مجلس است بعنوان تفسیر اگر با آن سازمان به هیئت تصفیه اختیار داده شده بود بنظر بینه از لحاظ اصلاح فنی و بصیر و اشخاصیکه وارد بکار بوده اند که از جمله خود این آقایان فولادوند ها هستند یک قانون جامعی مناسب با این کار بنویسند و بیاورند زیرا خواهی نخواهی بایستی که دادگستریان اصلاح بشود و ریشه دادگستری در اقصی نقطه مملکت باید اشد

هر آنرا وجود داد گسترش مانع خیلی از آزارها و زحمتها میشود و مامورین و قضات داد گسترشی به نسبت که بسیجیم برآن بخوبی از مامورین ذیکر هستند بنابراین اگر موافقنباشند مبلغ وزارت داد گسترش

را جلوی وزارت کشور اضافه بکنیم .
فایل رئیس — آقای فقیه زاده مخالفید ؟
فقیهه زاده — بنده عرضی ندارم ،
وزیر دادگستری — (آقای هیئت) اجازه
 بفرمایید .

نایب رئیس - آفای وزیر دادگستری اکثر نایب رئیس - آفای امامی نورالدین امامی - بنده خیلی متأسفم با اینکه اتفاقاً کارمندی وزارت دادگستری را دارم روی اصل کلی با پیشنهاد جناب آفای کشاورز صدمخالق نایب رئیس - بفرمایید . وزیر دادگستری - نه برای این موضوع است . برای لایحه است بگذارید برای بعد .
--

همستند بوزارت کشور (فولادوند و بار اینجا قانون گذاراند) می‌شوند. ممکن است بنده آقای رئیس‌جمهور را مطلع سازمان ادارات را جلو گذاشته اند و باقی قسمت‌های اشکال خودش باقی است بنده حالا کار ندارم که بخواهم توضیع بدhem یا پیشنهاد جدیدی بدhem که هر یک از وزارتخانه‌ها را چکار بایکرد مثل سازمان وزارت کشور چون مربوط باین لایحه نیست وقت پیشتری هم می‌خواهد فقط خواست از فرست استفاده کرده باشم بگویم آقا حالا که ما وزارت کشور را که در واقع بعنوان مشغولیت مشترک دولت را ملزم می‌کنیم در ظرف سه ماه سازمان وزارت کشور را بیاورند اینجا یکقدری بایمان را بالاتر بگذاریم و بخواهیم از دولت که این وضعیت قانون استخدام را که خودش ازاول نواقص زیادی داشته و بعد آبوسیله تصویب نامه‌های جو راجور خرابت ویرانترهم شده اصلاح کند الان قانون استخدام بصورتی درآمده که نه مستخدمی که از آن استفاده می‌کند رضایت دارد نه مملکت رضایت دارد و نه خود وزارتخانه‌ها، خوب این موضوع هم بصورت یک فکر مجمل در بیاید یک مقدار ادارات منتهله درست شود باقی تشکیلات بجای خودش باقی باشد این بالآخر غلط اندر غلط می‌شود این مستخدم درستکاری هم که از روز اول حقوقش زندگانیش را اداره نمی‌کرد و کفاف زندگیش را نمی‌کرد کارش اینطوری می‌شود و مستخدمینی هم که رتبه‌های بالا گرفته اند و دیگر توکی هم نداشتند حالا یک اشکالی هم بر اشکالات آنها اضافه می‌شود که آن موضوع بلا تکلیفی و سرگردانی باشد، بعیده بمنه در این فرست می‌شود یک قانونی و اقاما نوشت که رعایت سوابق و تخصیلات و حقوق و تمام نظریات شما را تأمین می‌کنند تا بر این خواسته می‌پسندید.

نایب رئیس — آقای وزیر کشور
وزیر کشور — آقای فولادوند — پیشنهاد بنده مورد توجه آ

وزیر کشور فرار گرفت

دھقان — بنده آقای فولادوند تمام نظر شارا تأیید می‌کنم ولی این بصورت پیشنهاد خوب نمی‌کنم که مفید باشد بلکه تندگی است که آ و وزیر کشور مطلع باشند و قانونی که تنظیم می‌کنند نظریات شما را تأمین می‌کنند تا بر این خواسته می‌پسندید.

نایب رئیس — آقای وزیر کشور
وزیر کشور — این طبیعی است که

آفای فولادوند تأمین میشود و نظر بندۀ هم‌نکار
قانونی مخصوصاً جمله آخرش صلاح نیست ولی
میکنم که مراعات مبکنم ،
رئیس — جانب آفای فولادوند پس گرفته
فولادوند — بله پس گرفتم .

نایب رئیس — میتواند قرار بدهد .
نایب رئیس — پس گرفتید ؟
رضوی شیرازی — پس نگفتن
نایب رئیس — حالا عده کافی نیست بعد رأی
کنند .

پطوه جریان و پیش نرفتن کار و نگرفتن نتیجه بوده
حالا بمعنی بندۀ درین همه این نوافس که بوده تها
اکتفا شود باشکه یکمدهای ادارات فقط متحمل شود
واسایر شون در محل خودش باشد این نهابست که دردی
دای دانم مکن لکه بلکه مسکل را هم اضافه مسکن

زیرا بندۀ تفهیمیدم که این ادارات منعله نفراتش چطور می شود تکلیف اینها را صریحآ تعیین نکرده اند بندۀ پیشنهاد میکنم در این تقسیمات که وزارت امنیت از واحدهای حقوق خواهند گرفت فقط تبع اداره

یعنی بررسی این مقاله نشان داد که این مقاله در این سیاست مبنای قانونی نداشت و این مقاله باید از قانون خارج شود. همچنان که در مقاله ایشان آمده، این مقاله از این نظر معتبر نبود.

کشاورز خود - این پیشنهاد (وقتی فا
تقسیمات کشور را ببول کردیم) فقط راجح بوز داد گسترش است وزارت داد گسترشی از وزارت تغذیه است که تشکیلات فانوئی است (صحیح است) و مده در سال ۱۳۱۶ یکصد های نهایت درجه دقت را
سوسری فرموده، جذب امدادی و زیر سازه را بفرمائید بعزم بنده، فرمودند که بعضی از محملها بوده که ۳۰ هزار نفر ۴۵ هزار نفر جمعیت داشته فرمانداری کرده اند و بعضی از بخشها است که ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد که چندین سال است منجذبه شود و یک زاره حل عملی در نظر گرفته شود

مرد کفر نداشت) بنابراین البته یک اشخاصی هم هستند که ناباب هستند که باید دست آنها را کوتاه کرد و آنها

اطلبان میدهم چون در مجلس شورای اسلامی گفته می‌شود ابدآ در پایتخت مادرم امنیتی وجود ندارد (صحیع است) این را باید آفایان بدانند که در پایتخت های بزرگ دنیاهم این قبیل چیزها بیش می آید و اگر تعقیب نشود کشف نشود دلیل بر سهل انگاری است ولی اگر تعقیب شود البته صلاح نیست که ما خیال کیم برای یک قتل یا یک سرقت در پایتخت هدم امنیت است مخصوصاً که این در استانها و شهرستانها هم گفته می‌شود برای مثال بنده می‌توام هر چیز کنم و فقی بنده در شیاز بودم اتفاقاً در آن مدت نان شیراز خوب بود یکوقی دیدم اینجا در رادیو گفته شد که آقا دستور

(بیدار است) قوانین مابراز تعقیب دارد کافی است) بالاخره این دستگاه یک نهضتی دارد یا ضعف در دستگاه شهریاری است که اگر آنای رئیس شهریاری شخص خوب و وظیفه شناس و قادری هستند اصلاح کنند و اگر نیستند خوب لطف کنند و این بست را بدیگری مقول کنند که او بتواند درست انجام بدهد و اگر در قوانین دادگستریمان نقصی است این را از جانب آقای هیئت که از هر جهت شاستگی ایشان مسلم است تغییر میکنم که اصلاحاتی بکنند. (فرامرزی - در طرز عمل) و اگر ضعف در آن اداره‌ای است که هرچه کردم که باید بر طرف شود بهر حال من بطور کلی تنبایم ایست که این نوع سرتهمای عجیب مانند سرتهمی که در این منزل شده است از بین برود.

1

پناهی — عرض بندے هم همانهای بود که آفایان اینجا فرمودند اما بندے باین سرفتی که در منزل آفای بر فرسور شمس شده تنها باین کاری ندادارم این عمومیت دارد مثلاً آن دو فقره سرفت در گوچه عدل روبروی قصر اتفاق افتاده است در این اواخر اینها میرساند که شهر بانی باید بیشتر مراجعت کند در اینکار چندی قبل هم آفایان فرامرزی در روزنامه کیهان راجع به امنیت شهر کاملاً شرح داده بودند مقصودم این بود که توجه مخصوصی بشود کذاگر این مطالب در مجلس گفته شود و توجه نگیریم ممکن است که نتیجه معمکوس بخشد.

وزیر کشور — سؤال سه نظر آفایاں
نمایندگان معتبر کہ بوزارت کشور رسید من در
صدق تحقیق قضیہ سرفت منزل یروفسورشنس برآمد
و خلاصہ این سرفت یعنی اقدام بسرفت کہ منجر

پیشگاه داد کاه فقط روی یات اقرار است یاروی یک
قراین ظنه و این قراین ظنه برای اقامه کیفر-
خواست یعنی برای ادعای نامه کافی است ولی برای
حکم معکوه کافی نیست و دلایل قطعی می خواهد
این می آید در آنجا و حاکم محکمه می بیند پرونده
ناقص است، اقرار هم در حق اثیات قسمت قاطع نیست
باید کشف از واقع بکنند و مسائل حقوقی اقرار
حجه است ولی در مسائل جزائی اقرار حجه نیست.
وقتی که می آید می گوید که من در اثر زجر و شکنجه
این اقرار را کرده ام و یک قراین و امارانی هم
نشان مده با اینترود و جدان فاضی متزلزل می شود
و نمی توانند ادعا محاکوم بکنند ایست که خبلی از مفترسین
و گناهکاران از آنجا خلاصی و رهانی می یابند از
مجازات، این یک قسمتش است ولی در بعضی موارد
هم معجازات تغییف می شود مثل دزدها، دزد هم دو
جور است یک دفعه دزدی است که یک گدانی دم
در می آید در را باز می بیند می آید یک آفتایه ای
بر می دارد یا از روی طناب رخت بر می دارد البته
این قابل ارقاق است ولی آن دزدی که شب باسالح
می آید در را می شکند یا از دیوار می برد و می-
آید اهل آن خانه را متوجه می کنند این معجازات

بقتل یکنفر شده بعود ریست که بعرض مجلس شورای ملی میرسانم . طبق اظهار خود بروفسور شمس سارق که تحت تعقیب بروفسور بوده در داهر و با نو کر مشارایه مصادف میشود و در نتیجه کشمکش برای نجات خود او را هدف گوله فرارداده و متوازی میشود ولی سرتقی ... البته متأسفانه آدمی کشته میشود ولی بواسطه همین که آدم کشته شده و سرو صدا شد افزار میکند و سرتقی آنجاراچ میشود و فضیله هم تحت تعقیب است و یکنفر هم که مظنون بوده بلکه میتوان گفت که همان آدم باشد گرفتار شده و همدسته ای هم داشته البته جزئیات آنرا نمیتوان علنی باطلاع آقایان رساند ولی میتوانم هرض کنم که گرفتاری آن شخص در موضوع بخصوص و دیدن اتومبیلی که آتشب هم در آنجا بوده و همان اتومبیلی که این شخص درش بوده و وجودیک اشیاء مسروقه دیگری نشان میدهد که نه تنها این شخص و همدستان او مرتبک این عمل خبط شده اند بلکه نظایر دیگری هم داشت که ایندیواری میروند کشف شود (حاذقی) - یعنی قایلیای منزل مارا هم برده اند دستور بفرمائید رسید گری بشود) همان طوری که گفته شد سوال که اینجا گفت شد ظرف آقامار نمایند کان

اسلامی — عرض کنم که از شخص آفای رئیس شهر با
مشیر است براینکه اگر نمایندگان سوالی کردند
باسته طلاق و مکافته خواهند شد و همچنان
اشان عرض نداده و هفته بیشتر
برای اینکه از این مکافته خود بخواهند
آنرا در اینجا مذکور نمایند.

ملک عدلی - بنده مخالفم.
نایب رفیع - بفرمانید
ملک عدلی - توجه بفرمانید بنده هم تصویر
میگنم که اگر وزارت کشور نوشته شود بهتر است
جهون دولت عام است وزارت کشور خاص است وزارت
کشور مکلف باشد بهتر است برای اینکه دولت که
شد عام است آماروری که جناب آفای از دلان وزیر
کشور فرمودند ما میاوریم بگذارید وزارت کشور این
کار را بکنند ولی اگر بنا بشود دولت بیاورد نمیشود
من این پیغام را نظر نمدم و نوشته شده دو زاده کشیده
میشانم

نایب رئیس- چون هر لایحه‌ای تقدیم مجلس
می‌شود باید رئیس دولت هم امضاء کند اینست که
فرق نمی‌کند چه نوشته شود دولت و چه نوشته شود
وزارت کشور فرقی نمی‌کند حالا شما پس می‌گیرید.
با نه ؟

فقیه زاده - چون آقای حاج عز الممالک نظر
بنده را تأمین کرده اند در جواب بیانات آقای فولادوند
بنده پس می کیرم
نایب رئیس - دیکتر یشنه‌آدی نیست

بنابراین ماده واحده خوانده میشود و رأی گرفته میشود
 (بشرح ذیر فرائٹ گردید)
 ماده واحده — تضمیمات هیئت تصفه نسبت به

نشکلیات وزارت کشور موقه موقوف الاجرا می‌ماند
وزارت کشور مکلف است متنهی در طرف ۳ ماه
طبق برنامه دولت که تصویب مجلس شورای اسلامی
رسیده است لایحه تقسیمات کشور و سازمان وزارت
کشور را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد نماید.
نائب رئیس — عده‌ها خاص ۸۰ نفر آقانه که

۱- ماده واحد موافقت دیام فرمایند (اکثر برخاستند)
 اکبریت ۷۰ رأی تصویب شده دقیقاً نفس دادمی شود
 در این موقع (یکریغ قبل از ظهر) جلسه بنوان
 نفس تعطیل و مقارن ظهر مجدداً بریاست آفای
 کثر معظمی نایب رئیس تشکیل گردید

۲- تقدیم لایحه محکمات مطهی عات

بوسیله آقای وزیر دادگستری
نایب رئیس — آقای وزیر دادگستری .
وزیردادگستری — راجع بطرز معاکمات
لبوعات جون مقتضی بود که یک تجدید نظری
بود و قانون سابق باعجله کشته بود لذا یک لایحه

دویی همیه شده و نقدیم می شود.
لایپر لئیس - بکمیسیون فرهنگدادگستری
اله میشود چون فوریت ندارد. آقای وزیر کشور
! سوال آقایان حاذقی، دکتر جلالی
فناهم راجع برسقت من! و فور شمس

از وزارت کشور و جواب آن
وزیر کشور — سه نفر از نمایندگان محترم
ی حاذقی و آفای دکتر جلالی و آفای پناهی
مح بسرقت منزل یزد فسحور شمس سوالی کرده بودند
بنده حاضرم جواب بدهم هر توضیعی دارند بفرمایند
لند جواب بدhem.
نایاب در پیس — آفای اسلامی اختصار نظام نامه ای
مرو (اسلامی - بلی) بفرمایند.

و در پرونده منعکس باشد و بعداً از اداره املاک دربار بوزارت دارائی نوشته‌اند طبق موافقتنامه‌ای که بامضای آفای گشاپیان رسیده شما این املاک را استرداد گشید، وزارت دارائی روی مقرراتی که خواسته‌اند رهایت کنند حاضر نشده و تا بحال این همل انجام نشده است باینجهت گزارشی که بعرض جناب آفای وزیر دارائی رسایده‌اند کامل‌فلط است ربندی خواهش می‌کنم شخصاً خودشان این پرونده را بخواهند و بخواهند و شخصاً تشریف بیاورند اینجا جواب بدene برای اینکه دیگر موقع گذشته که اداره املاک همان کاربر اک در دوره اهلی‌عصرت فقید راجع به املاک مردم می‌گردند حالا راجع بحاله بکنند، اما این صورتی که راجع به املاک خوزستان دادند باید یک ضمانت اجرائی ایشان بفرمایند که اگر ما آمدیم بیک اسلامی آوردیم که در تحت هنوان حاج بشملی من و آفای مکی رفیعی بجهزار هکتار گرفتیم و برخلاف گزارش داده‌اند با آفای وزیر دارائی آنسکسی که گزارش خلاف داده تبیه بشود فرضًا ما رفته‌یم حتمت کشیدیم یک صورتی تهیه گردیم آوردیم اینجا آن وقت بگویند بلی آقا اینجا را توجه نکرده‌اند آن ثبات اسم حسن را حسین نوشته است چون راجع به املاک خوزستان آفایان می‌دانند که غیراز این اسامی که اینجا گفته شد یک دسته‌ی ائمداد کار است بنده خودم هم بینطور گعرس کردم نه مالک هستم و نه از خوزستان جیزی می‌خواهم و نه باهیج شرکتی هبج جیزی بندو بست دارم فقط میدانم که اینجا یک دست اندازی‌هایی شده (شوشتري) - این اراضی بین‌دهزار نفر باید قسمت شود نه چهل نفر) و خواهش می‌کنم جناب آفای وزیر دارائی راجح باهن قسمت بات تعمیقات

۱- آفایان : حاجی هبده خدادادی و حاجی سعد غفاری
و شرکاء ۳۱۰۶ هکتار

۲- عبدالمالی اسکندری عزیز سدابی حسین
خدادادی جاسم ازدری ۲۸۱۰ هکتار

۳- محسن احمدزاده ۱۰۸۷ هکتار
۴- شرکت سهامی کشاورزی جنوب ۱۷۸۴ هکتار

۵- آفایان محمد مهدی و حاجی خان و منوچهر
و کریم دولتی ۵۰۰ هکتار

۶- آفایان خواجه عبدالله یشم فروش طه بتهانی
غلامرضا خیاطزاده ۲۸۰۰ هکتار

۷- حاجی مهدی چیت‌ساز ۴۲۴ هکتار

۸- حاجی علی خبیس حبیب‌الله اختباطی محمد
تقی فرش فروش ۱۳۱۲ هکتار

۹- محمود و ایاس و احمد علی‌زاده و شهاب
خسروانی و غلامرضا نورزاد ۲۵۰۰ هکتار

۱۰- محسن موقر ۱۵۰۰ هکتار

۱۱- آقای مصر ۱۰۰۰ هکتار

۱۲- مهندس پاپیزان ۱۰۰۰ هکتار

۱۳- مهندس میرخانی و مهندس مولوی ۱۵۰۰ هکتار

۱۴- قاسم طاهی‌باز ۱۷۶۰ هکتار

۱۵- شیخ سعدون و برادران ۱۷۶۰ هکتار

۱۶- شیخ ماهور معسنتی ۲۸۴۰ هکتار

۱۷- شیخ شایع و محمد کاظم سرتضوی
۹۷۰ هکتار

۱۸- حاجی نصرالله صفاجو ۹۹۷ هکتار

۱۹- برادران جازی ۲۰۴۰ هکتار

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی

۲۰- کتبیر تقاضی - خیلی متأسف هر چند خلاصه‌ای
که بعرض جناب آقای وزیر دارائی رسانده‌اند کاملاً
ناقص است چون جریانی که بنده در مجلس هر ضر
کردم عین جریان پرونده موجود است و کاملاً در پرونده
منعکس است که آقای گلشنایان تلاش می‌کردند
راهی بیدا کنند که این خالصه‌جات را باملک و اگذاری
پنهان و بهین جهت بدیوان کشور مراجمه کردند،
که بسیرون تشکیل دادند با آقای وزیر دادگستری
وقت مذاکره کردند و راهی بیدا نشده است بعد که
دیدند هیچ راهی ندارد خواسته‌اند شصدهزار تومان
را بدهند ماده ۱۵ قانون واگذاری را برخ ایشان
کشیدند که باید این پول در صندوق
دولت بماند وقتی که دیدند هیچ راهی ندارد
بدون ملی تشریفات اداری شخصاً برای خوش قصی
رفته‌انه در دربار یک موافقنامه امضاء کردند بدون
اینکه مقدمات این امر در وزارت‌خانه منعکس باشد